

درآمدی بر پژوهش کیفی

نگرش‌های فلسفی، روش‌ها و شیوه‌های گردآوری اطلاعات

نوشته‌ی دکتر سید محمد اعرابی

عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبایی

دانشکده‌ی حسابداری و مدیریت

محمد علی حمید رفیعی

عضو هیأت علمی دفتر پژوهش‌های فرهنگی

مقدمه

این مقاله به موضوع پژوهش کیفی^(۱) می‌پردازد. پژوهش کیفی به معنای استفاده از داده‌های کیفی مثل مصاحبه‌ها، اسناد و مشاهدات به منظور درک و توضیح پدیده‌های اجتماعی است. پژوهش کیفی را می‌توان در بسیاری از رشته‌های و عرصه‌های علمی دید که در انجام آن‌ها از رویکردها، روش‌ها و شیوه‌های گوناگون استفاده می‌شود. در نظام‌های اطلاع‌رسانی توجه به موضوع‌های فن‌شناسانه جای خود را به مسائل مدیریتی و سازمانی داده است و از همین رو به کارگیری روش‌های پژوهش کیفی مورد توجه فزاینده‌ای قرار گرفته است.

مقاله حاضر مطالب زیر را در برمی‌گیرد: پس از مروری کلی بر پژوهش کیفی، نگرش‌های فلسفی مربوط به آن مورد بحث قرار گرفته است. پس از آن مطالبی را درباره‌ی روشهای کیفی و رهیافت‌های گوناگون آن و نیز شیوه‌های تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌های کیفی خواهید خواند.

مروری کلی بر پژوهش کیفی

روش‌های تحقیق را به صورت‌های مختلفی می‌توان مقوله‌بندی کرد. مهم‌ترین تفاوت میان این روش‌ها مربوط به پژوهش‌های کمی و کیفی است. روش تحقیق کمی (۲) ابتدا در علوم طبیعی و به منظور بررسی پدیده‌های طبیعی پایه‌گذاری شد. اینک نمونه‌هایی از روش تحقیق کمی در علوم اجتماعی نیز پذیرفته شده است که از جمله‌ی آن‌ها روش‌های پیمایشی (۳)، آزمایش‌های لابراتواری (۴)، روش‌های رسمی (مثل اقتصادسنجی) (۵) و روش‌های عددی (مثل الگوسازی ریاضی) (۶) است.

روش‌های تحقیق کیفی در علوم اجتماعی ریشه دارند و هدف آن‌ها ایجاد امکان برای پژوهش‌گر است تا پدیده‌های اجتماعی و فرهنگی را مورد مطالعه قرار دهد. از جمله روش‌های تحقیق کیفی: پژوهش علمی (۷)، پژوهش موردی (۸) و پژوهش قوم‌نگارانه (شناسانه) (۹) است. منابع کیفی اطلاعات شامل مشاهده، مشاهده‌ی مشارکت‌جو (میدانی)، مصاحبه و پرسش‌نامه، اسناد و متون و سرانجام برداشت‌ها و واکنش‌های پژوهش‌گر است.

انگیزه‌ی انجام پژوهش کیفی، بر خلاف پژوهش کمی، در ملاحظه‌ی این واقعیت ریشه دارد که اگر یک تفاوت میان انسان و طبیعت وجود داشته باشد، آن تفاوت؛ قدرت سخن‌گویی انسان است.

روش‌های تحقیق کیفی طوری طراحی شده‌اند که به پژوهش‌گر کمک کنند تا آدم‌ها و موقعیت اجتماعی و فرهنگی را که در آن زندگی می‌کنند بفهمد. عقیده بسیاری از پژوهش‌گران کیفی این است که وقتی اطلاعات مربوط به یک موقعیت را کمی می‌کنیم،

هدف فهم پدیده از منظر مشارکت جویان، و مضمون ویژه‌ی اجتماعی و نهادی آن پدیده از نظر دور می‌ماند.

هر چند بیش‌تر پژوهش‌گران میان دو روش کمی و کیفی دست به انتخاب می‌زنند، برخی از ایشان استفاده از چند روش را در یک تحقیق پیشنهاد می‌کنند.

علاوه بر مقوله‌بندی پژوهش‌ها به کمی و کیفی، وجوه تمایز دیگری نیز مورد توجه پژوهش‌گران قرار گرفته که از جمله‌ی آنهاست: پژوهش‌های عینی در برابر پژوهش‌های نظری پژوهش‌هایی که هدف آن‌ها کشف قوانین کلی (کلی‌یابی) (۱۰) است در برابر تحقیقاتی که با موقعیت‌های ویژه و منحصر به فرد (فردنگرانه) (۱۱) سر و کار دارند، پژوهش‌های معطوف به پیش‌بینی و کنترل در برابر تحقیقات معطوف به توضیح و فهم یک پدیده، پژوهش‌هایی که از منظر بیرونی و منفرد (۱۲) انجام می‌شود در برابر تحقیق از منظر درونی و همبسته (۱۳)، و البته هنوز در مورد کاربرد واژه‌ها و اصطلاح‌هایی که ذکر شد، مجادله‌های گسترده‌ای جریان دارد که امکان انعکاس آن‌ها در این مقاله موجود نیست.

نگرش‌های فلسفی

هر پژوهشی (چه کمی و چه کیفی) بر شالوده‌ی پیش‌فرضی استوار است که به پژوهش‌گر می‌گوید که «اعتبار» تحقیق بسته به چیست و کدام شیوه برای انجام آن پژوهش مناسب‌تر است. بنابراین آگاهی از این پیش‌فرض‌ها برای انجام و یا ارزشیابی پژوهش‌های کیفی اهمیت زیادی دارد.

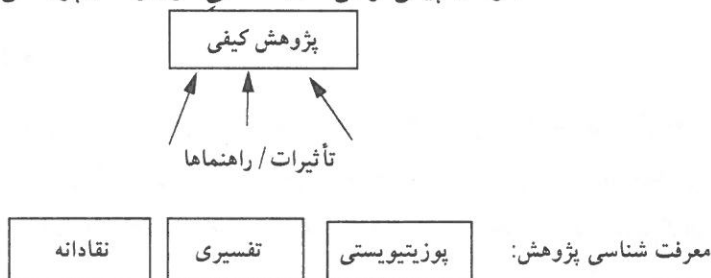
در بحث مورد نظر ما، مناسب‌ترین پیش‌فرض‌های فلسفی، پیش‌فرض‌هایی است که با معرفت‌شناسی هدایت‌کننده‌ی امر تحقیق مرتبط باشد. واژه‌ی «معرفت‌شناسی» به فرضیات مربوط به علم و چه‌گونگی دستیابی به آن اشاره دارد.

برخی پژوهش‌گران چهار الگو را برای پژوهش کیفی پیشنهاد کرده‌اند: پوزیتیویسم (۱۴)، پساپوزیتیویسم (۱۵) نظریه‌ی نقد (۱۶) و نظریه‌ی تکوینی (۱۷) اما

گروهی دیگر نوعی مقوله‌بندی سه‌گانه را بر شالوده‌ی معرفت‌شناسی تحقیق مطرح کرده‌اند: پژوهش پوزیتیویستی، تفسیری (۱۸) و نقادانه. در این مقاله از همین مقوله‌بندی سه‌گانه استفاده شده است، هر چند باید یادآوری کرد که این سه شیوه با همه تفاوتی که از منظر فلسفی دارند، در پژوهش اجتماعی دارای مرزهای قطعی و مشخص نیستند. در عین حال در این مورد که دیدگاه‌های یاد شده در تقابل با هم باشند یا این که بتوان از آمیزه‌ی آن‌ها در یک پژوهش استفاده کرد، اتفاق نظر وجود ندارد.

با ملاحظه آن چه گفته شد باید روشن شده باشد که واژه‌ی «کیفی» معادل کلمه‌ی «تفسیری» نیست؛ پژوهش کیفی می‌تواند، بسته به پیش‌فرض فلسفی پژوهش‌گر، تفسیری باشد یا نباشد، چنان که می‌تواند پوزیتیویستی یا نقادانه هم باشد. از این مقدمه می‌توان نتیجه‌گیری کرد که انتخاب یک روش تحقیق کیفی خاص (مثلاً تحقیق موردی) از موضع فلسفی نهفته در آن تحقیق، مستقل است. سه نگرش فلسفی یاد شده را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

نمودار: پیش‌فرض‌های فلسفی موجود در پژوهش



۱- پژوهش پوزیتیویستی

پوزیتیویست‌ها عموماً فرض را بر این می‌گذارند که واقعیت را می‌توان با ویژگی‌هایی قابل اندازه‌گیری توصیف کرد؛ ویژگی‌هایی که از مشاهده‌کننده (پژوهش‌گر) و ابزار مورد استفاده‌ی او مستقل هستند. مطالعات پوزیتیویستی بیش‌تر به دنبال آزمون نظریه هستند

تا به فهم پیش‌نگرانه‌ی پدیده کمک کنند. بر همین اساس است که اورمیکوفسکی و بارودی (۱۹) پژوهش را زمانی پوزیتیویستی قلمداد می‌کنند که در آن شواهدی از گزاره‌های رسمی، متغیرهای قابل اندازه‌گیری، آزمون فرضیه و تعمیم (از نمونه به یک جمعیت آماری مشخص) موجود باشد.

۲- پژوهش تفسیری

پژوهش‌گر تفسیری کار خود را با این فرض آغاز می‌کند که دسترسی به واقعیت تنها از طریق ساختارهای اجتماعی از قبیل زبان، آگاهی و مفاهیم مشترک ممکن است. شالوده‌ی فلسفی پژوهش تفسیری. تأویل و پدیدارشناسی است. هدف پژوهش‌های تفسیری، فهم پدیده است از طریق مفاهیمی که افراد به آن پدیده نسبت می‌دهند. پژوهش تفسیری متغیرهای مستقل و وابسته را پیشاپیش معلوم نمی‌کند، بل که معطوف به پیچیدگی تمام عیار مفهوم‌سازی انسان در موقعیت‌های مختلف است.

۳- پژوهش نقادانه

پژوهش نقادانه متکی بر این فرض است که واقعیت اجتماعی، ساختمانی تاریخی دارد و به وسیله‌ی افراد تولید و باز تولید می‌شود. هر چند انسان می‌تواند به شکلی آگاهانه موقعیت اجتماعی و اقتصادی خود را تغییر دهد، این نحله از پژوهش‌گران معتقدند که توانمندی انسان در این عرصه، به وسیله صورت‌های مختلفی از سلطه‌ی اجتماعی، فرهنگی و سیاسی محدود می‌شود. وظیفه‌ی عمده‌ی پژوهش نقادانه، نقد اجتماعی است و به مدد آن، شرایط محدودکننده و بیگانه‌ساز موجود در معرض دید قرار می‌گیرد. پژوهش نقادانه معطوف به برخوردها، تضادها و تقابلهای جامعه‌ی امروز است و به دنبال آن است که عوامل این بیگانگی و سلطه را از میان بردارد.

یکی از مشهورترین مدافعان نظریه‌ی نقد اجتماعی، یورگن هابرماس (۲۰) است که بسیاری او را مهم‌ترین فیلسوف قرن بیستم می‌دانند. هابرماس از متفکران مکتب

فرانکفورت بود که بزرگانی چون آدورنو (۲۱)، هورکهایمر (۲۲)، لوکاچ (۲۳) و مارکوزه (۲۴) را هم پرورش داد.

روش‌های پژوهش کیفی

همان‌طور که در پژوهش کیفی، نگرش‌های فلسفی گوناگون وجود دارد. می‌توان روش‌های مختلفی را هم برای انجام این نوع از پژوهش مطرح کرد. روش پژوهش همان راهبرد تحقیق است که از یک نگرش فلسفی ریشه می‌گیرد و به طراحی پژوهش و مرحله‌ی گردآوری داده‌ها منتهی می‌شود. انتخاب روش تحقیق بر نحوه‌ی گردآوری داده‌ها هم اثر می‌گذارد. روش‌های گوناگون تحقیق مستلزم داشتن مهارت‌ها، پیش‌فرض‌ها و عملیات پژوهشی مختلفی است. چهار روش تحقیقی که در این جا به اختصار مورد بررسی قرار می‌گیرد عبارتند از: پژوهش علمی، پژوهش موردی، پژوهش قوم‌نگارانه (شناسنامه) و نظریه‌ی مختلط.

۱- پژوهش عملی

برای پژوهش عملی تعریف‌های گوناگونی ارائه شده که از میان آن‌ها تعریف راپورت (۲۵) به شرح زیر، از همه پذیرفته شده‌تر است:

«هدف پژوهش عملی این است که هم در خدمت دل مشغولی‌های عملی افراد در موقعیت‌های دشوار و عاجل قرار بگیرد، و هم این که در یک چارچوب اخلاقی و پذیرفته شده به اهداف علوم اجتماعی کمک کند».

این تعریف توجه خواننده را به جنبه‌های گروهی پژوهش عملی و انتخاب‌های ناگزیری که پژوهش‌گر بالقوه با آن‌ها روبه‌روست جلب می‌کند. در عین حال تعریف یاد شده روشن می‌کند که پژوهش عملی با افزودن به گنجینه‌ی دانسته‌های موجود در علوم اجتماعی سروکار دارد و همین ویژگی پژوهش عملی است که آن را از علوم اجتماعی

کاربردی متمایز می‌کند چراکه در علوم اجتماعی کاربرد، هدف تنها به کارگیری دانش اجتماعی است، نه افزودن به دانسته‌های مربوط به این رشته. پژوهش عملی در عرصه‌هایی کاربردی چون توسعه‌ی سازمانی و آموزش، اینک به عنوان یک روش پژوهشی معتبر شناخته شده است.

۲- پژوهش موردی

پژوهش موردی یکی از رایج‌ترین روش‌های پژوهش کیفی است که تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده است، اما تعریفی که یین (۱۹۹۴) (۲۶) از آن در اختیار ما می‌گذارد، گستره‌ی روش یاد شده را به خوبی نشان می‌دهد:

«پژوهش موردی پدیده‌های همزمان با ما را در بافت واقعیشان بررسی می‌کند؛ به ویژه زمانی که مرزهای میان پدیده با بافت و موقعیت مربوط به آن چندان روشن نباشد». پژوهش موردی می‌تواند، بسته به نوع نگرش پژوهشگر، پوزیتیویستی، تفسیری یا نقادانه باشد.

۳- پژوهش قوم‌نگرانه (شناسانه)

پژوهش قوم‌شناسانه مربوط به رشته مردم‌شناسی اجتماعی و فرهنگی است، و برای انجام آن لازم است که قوم‌شناس بخش عمده‌ای از وقت خود را به مطالعه‌ی میدانی بگذارند. او در زندگی مردمی که به مطالعه ایشان پرداخته است غوطه‌ور می‌شود و به دنبال آن است که پدیده‌ی مورد مطالعه را در بافت فرهنگی و اجتماعی آن مورد بررسی قرار دهد. اینک پژوهش قوم‌شناسانه در بررسی نظام‌های اطلاع‌رسانی در سازمان‌ها مورد استفاده گسترده قرار گرفته و کاربرد آن از بررسی توسعه‌ی نظام‌های اطلاع‌رسانی تا مدیریت فن‌آوری اطلاعات را شامل می‌شود. در عین حال قوم‌شناسی به مثابه‌ی یک روش پژوهشی به این دلیل موضوع بحث‌های فراوان قرار گرفته که به مدد آن می‌توان نگرش‌های چندگانه‌ای را در طراحی سیستم‌ها به کار گرفت و از آن به عنوان

رهیافتی کلی برای گستره‌ی وسیعی از مطالعات مربوط به بررسی نظام‌های اطلاع‌رسانی استفاده کرد.

۴- نظریه‌ی مختلط

نظریه‌ی مختلط (۲۷) روشی است پژوهشی که هدف آن گسترش نظریه‌ای است که درآمیخته با داده‌هایی باشد که به شیوه‌ای روشمند گردآوری و تحلیل شده‌اند. به گفته‌ی مارتین و ترنر (۱۹۸۶) (۲۸)، نظریه‌ی مختلط «یک روش‌شناسی استقراری است که به کشف نظریه پرداخته این مجال را برای پژوهش‌گر فراهم می‌کند که از نمودهای کلی یک موضوع، گزارشی نظری ارائه کند و همزمان، آن گزارش نظری را با داده‌ها و مشاهدات تجربی درهم بیامیزد.» تفاوت میان نظریه‌ی مختلط با روش‌های دیگر، در رویکرد خاص این روش به نظریه‌پردازی است. نظریه‌ی مختلط مدعی است که میان گردآوری اطلاعات و تجزیه و تحلیل باید همواره تعامل وجود داشته باشد.

شیوه‌های کیفی گردآوری داده‌ها

در هر یک از روش‌های پژوهشی که برشمردیم، برای گردآوری اطلاعات تجربی از شیوه یا شیوه‌های خاصی استفاده می‌شود، که طیف گسترده‌ای را از مصاحبه، شیوه‌های مشاهده‌ای و مطالعات میدانی گرفته تا پژوهش کتابخانه‌ای در برمی‌گیرد. منابع نوشتاری ممکن است شامل اسناد منتشر شده و منتشر نشده، گزارش‌ها، یادداشت‌ها، مکاتبات، پیام‌ها پست الکترونیک، مقالات روزنامه‌ها و ... باشد.

در عرصه‌های مردم‌شناسی و جامعه‌شناسی باید میان منابع اولیه و ثانویه اطلاعات تمایز قایل شد. به طور کلی منابع اولیه، اطلاعاتی است که منتشر نشده‌اند و پژوهش‌گر آن‌ها را از افراد یا سازمان‌ها مستقیماً گردآوری کرده است. منابع ثانویه به هر نوع مطلب منتشر شده‌ی قبلی از قبیل کتاب و مقاله اشاره دارد.

معمولاً پژوهش‌گر موردی، بیش از هر چیز، از مصاحبه و مطالب مستند استفاده

می‌کند و مشاهدات مشارکت‌جویان را چندان به کار نمی‌گیرد اما در پژوهش قوم‌شناسانه پژوهش‌گر مدت زمان قابل توجهی را به مطالعات میدانی اختصاص می‌دهد، و علاوه بر دیگر شیوه‌های گردآوری اطلاعات، یادداشت‌های مربوط به مطالعات میدانی و مشاهدات عملی نیز برای او اهمیت زیادی دارد.

الگوهای تحلیل

هرچند در پژوهش کمی، میان گردآوری داده‌ها و تجزیه و تحلیل اطلاعات تفاوتی آشکار وجود دارد، تشخیص چنین تمایزی در پژوهش‌های کیفی دشوار است. به عنوان مثال، از منظر تأویلی، فرض بر این است که پیش‌فرض‌های پژوهش‌گر بر فرایند گردآوری اطلاعات اثر می‌گذارد و مثلاً نوع پرسش‌های مطرح شده معمولاً تعیین‌کننده ماهیت پاسخ‌هایی است که دریافت خواهد شد؛ تجزیه و تحلیل بر فرایند گردآوری اطلاعات، گردآوری اطلاعات بر تجزیه و تحلیل نهایی اثر می‌گذارد. از همین رو شاید بهتر باشد که در پژوهش کیفی، به جای تحلیل داده‌ها، به «الگوهای تحلیل» پردازیم.

الگوهای تحلیل رویکردهای متفاوتی است که در گردآوری، تحلیل و تفسیر داده‌های کیفی از آن‌ها بهره می‌گیریم. ویژگی مشترک همه‌ی الگوهای تحلیل این است که در گام اول، با تحلیل متن چه به صورت شفاهی و چه در قالب نوشتاری سروکار دارند. هرچند در پژوهش کیفی الگوهای متفاوتی برای تحلیل وجود دارد در این جا تنها به سه الگو می‌پردازیم: تأویل، نشانه‌شناسی و روایت و استعاره.

۱- تأویل (۲۹)

تأویل را هم می‌توان فلسفه‌ی موجود در تحلیل تلقی کرد و هم می‌شود آن را الگویی خاص برای تحلیل به حساب آورد. تأویل به مثابه‌ی رهیافتی فلسفی، زمینه‌های لازم را برای تحلیل فراهم می‌آورد و به عنوان یک الگوی تحلیل، شیوه‌ی فهم داده‌های درون متن را در اختیار ما می‌گذارد. بحث ما به استفاده از تأویل به عنوان الگویی خاص برای

تحلیل داده‌ها مربوط است.

تأویل بیش‌تر با «معنای» متن یا شبه متن سروکار دارد (نمونه‌ای از یک شبه متن می‌تواند یک سازمان باشد که پژوهش‌گر به مدد متن‌های شفاهی یا کتبی به درک درستی از آن دست می‌یابد). در تأویل، پرسش اصلی این است که: معنای این متن چیست؟ تیلر (۳۰) می‌گوید: «تفسیر، در مفهومی مرتبط با الگوی تأویل، تلاشی است که برای روشن کردن و معنی دار کردن موضوع مورد مطالعه صورت می‌گیرد. از این رو موضوع مورد مطالعه باید متن یا شبه متنی باشد که مخدوش، ناقص، مبهم، به ظاهر متناقض و در هر حال غیرواضح است. هدف تفسیر این است که بر سامان درونی یا معنای متن پرتو بیفکند».

چرخه‌ی تأویل به دیالکتیک میان فهم متن به عنوان یک کل و تفسیر اجزای آن سروکار دارد. در این چرخه، جهت‌گیری، توصیف‌ها به توضیحات پیش‌بینی شده بستگی دارد. از این مقدمه می‌توان نتیجه گرفت که ما از موقعیتی که مورد مطالعه‌مان هست انتظار داریم که حاوی معنایی باشد. برداشت و درک ما از آن موقعیت، همواره در حرکت میان کل به جزء و جزء به کل نوسان دارد. به قول گادامر (۳۱): «این رابطه‌ای درونی است ... پیش‌بینی معنایی که در آن کل را بتوان تجسم کرد، به درک روشنی از اجزاء منتهی می‌شود؛ اجزایی که کل تعیین‌کننده‌ی آنهاست و خود تعیین‌کننده‌ی کل هستند.» به بیان ریکور (۳۲): «تفسیر ... تلاشی فکری است برای روشن کردن لایه‌هایی از معنا که به طور ضمنی در معنای تحت‌اللفظی متن موجود است.»

۲- نشانه‌شناسی

نشانه‌شناسی (۳۳) را هم چون تأویل، می‌توان فلسفه موجود در یک تحلیل و یا الگوی خاصی برای انجام تحلیل دانست. بحث ما در مورد نشانه‌شناسی ناظر به برداشت دوم است.

نشانه‌شناسی، در اساس، با معنای نشانه‌ها و نمادها در زبان سروکار دارد. فرض

اصلی مبتنی بر این است که واژه‌ها یا نشانه‌ها را می‌توان به مقولات حسی نسبت داد و این مقولات، باز نمود جنبه‌های مهمی از ایده‌ی مورد آزمایش هستند. اهمیت یک ایده از بسامد کاربرد آن در متن روشن می‌شود.

یکی از صورت‌های نشانه‌شناسی «تحلیل محتوا» است. کریپندورف (۱۹۸۰) (۳۴) تحلیل محتوا را چنین تعریف می‌کند: «تحلیل محتوا شیوه‌ای پژوهشی است برای آن که از داده‌ها به ارجاع‌های معتبر و تکرار پذیر از بافت مربوطه برسیم» پژوهش‌گر در متن، ساختارها و نظام‌هایی مشخص را ردیابی می‌کند و براساس این نظام‌ها دست به استخراج می‌زند.

صورت دیگر نشانه‌شناسی «تحلیل گفت و گو» (۳۵) است. در تحلیل گفتگو فرض بر این است که معانی دریافت محاوره شکل می‌گیرند. پژوهش‌گر خود را در یک موقعیت واقعی قرار می‌هد تا زمینه‌های رفتار را روشن کند.

نوع دیگر نشانه‌شناسی، «تحلیل گفتمان» (۳۶) است. «تحلیل گفتمان» بر شالوده‌ی تحلیل محتوا و تحلیل گفت و گو بنا شده است اما بر «بازی‌های زبانی» (۳۷) تکیه دارد. بازی زبانی به معنای واحدی معین از تعامل‌هاست که شامل زنجیره‌ای از کنش‌های کلامی است که در گردش عبارات آن، استفاده از استعاره و تمثیل نقش مهمی را به عهده دارد.

۳- روایت و استعاره (۳۸)

فرهنگ لغت آکسفورد روایت را چنین تعریف می‌کند: «داستان، قصه یا بازگویی واقعیت، به ویژه زمانی که از دیدگاه اول شخص بیان شده باشد». روایت انواع گوناگونی دارد که از روایت شفاهی تا روایت تاریخی را دربرمی‌گیرد. استعاره به کارگیری نام یا واژه‌ای توصیفی به چیزی است که به طور معمول به آن نسبت داده نمی‌شود.

روایت و استعاره در مباحث و تجزیه و تحلیل ادبی از دیرباز مورد استفاده بوده است، اما در سال‌های اخیر در انواع شیوه‌های تفکر و عمل اجتماعی مورد توجه زیاد

قرار گرفته است. پژوهش‌گران رشته‌های گوناگون در حوزه‌هایی چون فرهنگ‌های بومی، پزشکی، روان‌کاوی و ... برای روایت استعاره کاربردهایی یافته‌اند.

یادداشتها:

1. Qualitative Research
2. Quantitative Research
3. Survey Methods
4. Laboratory Experiments
5. Formal Methods (e.g. econometrics)
6. Numerical Methods (e.g. mathematical modeling)
7. Action Research
8. Case study
9. Ethnography
10. Nomothetic
11. Idiographic
12. Etic
13. Emic
14. Positivism
15. Post - Positivism
16. Critical Theory
17. Constructivism
18. Interpretive
19. Orlikowski & Baroudi
20. Jurgen Habermas
21. Adorno
22. Horkheimer

23. Luckacs
24. Marcuse
25. Rapport
26. Yin
27. Grounded theory
28. Martin & Turner
29. Hermeneutics
30. Taylor
31. Gadamer
32. Ricoeur
33. Semiotics
34. Krippendorff
35. Conversation analysis
36. Discourse analysis
37. Language games
38. Narrative & Metaphor

منابع

- ۱- سید محمد اعرابی، تحقیق: الزام بنیادین انسان کمال خواه، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۵ پنجم، دوره ۲، دوم، بهار، ۱۳۷۰
- ۲- سید محمد اعرابی؛ هماهنگی: معیار صحت (۱)؛ فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۵ هفتم، دوره ۲، دوم، پاییز ۱۳۷۱.
- ۳- سید محمد اعرابی؛ هماهنگی: معیار صحت (۲)؛ فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۵ هشتم، دوره ۲، دوم، زمستان ۱۳۷۱.
- ۴- رابرت ک. ین (مؤلف)، پارسائیان، علی؛ اعرابی، سید محمد (مترجمان)، تحقیق موردی، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۶.
- ۵- سید محمد اعرابی؛ روش تجزیه و تحلیل تطبیقی در مدیریت، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۶.
- ۶- کاترین مارشال؛ گرچن ب. راس من (مؤلفان)، پارسائیان، علی؛ اعرابی، سید محمد (مترجمان)، روش تحقیق کیفی، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۷.
- ۷- ارنست تی. استرینگر (مؤلف)، اعرابی، سید محمد؛ ایزدی، داوود؛ تحقیق عملی، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸.
- ۸- ویلیام فوت وایت (مؤلف)، حمید رفیعی، محمد علی؛ پژوهش عملی مشارکتی، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸.
- ۹- تری ای. هدری؛ لئونارد بیک من؛ دبرا جی، زگ (مؤلفان)، اعرابی، سید محمد؛ ایزدی، داوود؛ تحقیق کاربردی، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۷۸.